

دوماهنامه جستارهای زبانی
د ۷، ش ۷ (پیاپی ۳۵)، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، صص ۱۲۵-۱۵۰

بازنمایی نحوی افعال وجهی «بایستن» و «شدن» در زبان فارسی

رضوان متولیان*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۵/۱/۲۳

دریافت: ۹۴/۱۱/۳

چکیده

در این مقاله، می‌کوشیم با در نظر گرفتن رفتار نحوی-معنایی افعال وجهی اصلی (شدن و بایستن) در زبان فارسی، در مورد ارتقایی یا کنترلی بودن این افعال تصمیم مناسبی بگیریم. با توجه به دیدگاه‌های قبلی در این مورد، سه فرضیه مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. افعال وجهی معرفتی ارتقایی و افعال وجهی بنیادی، اعم از تکلیفی و پویا، کنترلی هستند؛ ۲. افعال وجهی معرفتی و همچنین بنیادی از نوع تکلیفی غیرمستقیم که مشارک برونی هستند ارتقایی و افعال وجهی بنیادی پویا و تکلیفی مستقیم که مشارک درونی هستند کنترلی به‌شمار می‌روند و ۳. تمامی انواع افعال وجهی ارتقایی هستند. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از تبیین‌های معنایی و نحوی، نتیجه می‌گیریم که در این زبان، افعال وجهی اصلی که همگی گزاره‌ای هستند، چه معرفتی باشند چه غیرمعرفتی و چه مشارک درونی باشند چه مشارک برونی، ساختار ارتقایی را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: افعال وجهی اصلی، معرفتی، بنیادی، ارتقایی، کنترلی.



۱. مقدمه

وجهیت مقوله‌ای نحوی-معنایی است که یکی از راهکارهای بیان آن، به‌کارگیری افعال وجهی اصلی^۱ است. افعال وجهی اصلی (بایستن و شدن) صورت‌های تصریف‌ناپذیری را دربر می‌گیرند که معنای وجهیت را بیان می‌کنند. از نظر معنایی، در بسیاری از زبان‌های دنیا، افعال وجهی ارزش دوتایی دارند؛ به‌طوری که به‌صورت بارز یا خوانش بنیادی^۲ (همان غیرمعرفتی^۳) دارند (برای دلالت به نوعی رابطه اجتماعی پیچیده، مانند اجبار، اجازه و توانایی، به‌کار می‌روند) یا خوانش معرفتی^۴ (متافیزیکی یا شهودی) که از این طریق، گوینده نگرشش را در مورد ارزش صدق گزاره بیان می‌کند (پالمر، ۲۰۰۱). با این حال، گاهی افعال وجهی بین دو نوع خوانش معرفتی و بنیادی مبهم هستند (جمله^۱).

۱. علی باید تا ساعت ده صبح به خانه برسد.

جمله بالا ممکن است که دارای خوانش معرفتی باشد؛ یعنی به‌عنوان نمونه توسط کسی بیان شده باشد که از قبل اطلاع دارد که علی با ماشینش ساعت پنج صبح از تهران به سمت اصفهان حرکت کرده است و با توجه به این شرایط، نتیجه می‌گیرد که زمان رسیدن علی به خانه، ساعت ده صبح است. همین جمله ممکن است خوانش بنیادی داشته باشد، مثلاً در این معنی به‌کار رود که علی از سوی گوینده تحت اجبار است که ساعت ده صبح به خانه برسد.

در مقاله حاضر، درصدد یافتن پاسخ به این سؤال هستیم که آیا ممکن است معناهای متفاوت فعل وجهی (به‌عنوان نمونه، در جمله^۱) از تمایز ساختار نحوی آن‌ها نشئت گرفته باشند. در این راستا، پس از تشریح دو دیدگاه اصلی متقارن و نامتقارن در مورد کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی معرفتی و غیرمعرفتی و بررسی دلایل نحوی-معنایی آن‌ها برای ارائه چنین طبقه‌بندی‌هایی، نشان می‌دهیم که در زبان فارسی، افعال وجهی اصلی از آنجا که گزاره‌ای هستند (چه معرفتی باشند چه بنیادی)، ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهند و برخلاف دیدگاه تقابلی، نوع خوانش معرفتی و غیرمعرفتی در تشخیص کنترلی یا ارتقایی^۵ بودن افعال وجهی تأثیرگذار نیست. در زبان فارسی، به‌آسانی مواردی یافت می‌شوند که در آن‌ها، فعل با اینکه حاوی خوانش بنیادی است، رفتار ارتقایی از خود نشان می‌دهد. جمله^۲ نمونه‌ای از این موضوع را نشان می‌دهد.

۲. آن‌ها همیشه اینجا بمانند (اجازه هست که آن‌ها اینجا بمانند).
 با توجه به اینکه تنها توسل به معیار نحوی برای بررسی تنوع افعال وجهی مناسب نیست، در مقاله حاضر ابتدا به‌طور کوتاه طبقه‌بندی معنایی افعال وجهی را بررسی می‌کنیم و پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی، می‌کوشیم با ارائه معیارها و آزمون‌های مختلف، در مورد این ویژگی نحوی در انواع مختلف افعال وجهی اصلی معرفتی و بنیادی در زبان فارسی، تصمیم مناسبی بگیریم.

۲. طبقه‌بندی معنایی افعال وجهی

وجهیت به‌طور کلی نشان‌دهنده دیدگاه گوینده در مورد گزاره‌ای است که بیان می‌شود. حضور عناصر وجهی در جملات بیانگر این موضوع است که موقعیت ذکر شده در پاره‌گفت به‌عنوان حقیقتی واضح در نظر گرفته نشده است (Zandvoort, 1964: 395; Bache & Davidsen-Nielsen, 1997: 316). البته به عقیده زبان‌شناسان، وجهیت بر مفاهیمی فراتر از عدم حقیقت دلالت دارد و شامل مفاهیم الزام^۶ و امکان^۷ نیز می‌شود؛ به‌طوری که وجهیت ممکن است بیانگر نگرش و قضاوت گوینده در مورد احتمال یا قطعیت صدق گزاره باشد یا به‌مفهوم الزام یا امکان وقوع وضعیتی باشد (Van der Auwera & Plungian, 1998: 8; Huddleston & et-al, 2002: 173). هرچند زبان‌شناسان (Palmer, 2001; Coates, 1983) تقسیم‌بندی‌های معنایی متفاوتی از وجهیت ارائه کرده‌اند، به‌طور کلی با الهام از آن‌ها وجهیت در یک طبقه‌بندی اولیه، به دو گروه عمده وجهیت معرفتی و غیرمعرفتی (بنیادی) تقسیم می‌شود. هنگامی که ذهن گوینده و دانش او از جهان خارج و تصورش از موقعیت‌های فرضی مطمح‌نظر است و در مورد احتمال و قطعیت صدق گزاره صحبت می‌شود، با افعال وجهی معرفتی سروکار داریم. وجهیت معرفتی ارزیابی گوینده در مورد احتمال وقوع یا قابلیت پیش‌بینی عملی (Halliday, 1970: 349)، تعهد گوینده در مورد وضعیت گزاره موجود (Palmer, 1986: 54-55) یا تعهد گوینده در مورد صدق گزاره (این نوع وجهیت را گوینده‌محور یا وجهیت گزاره‌ای نیز نامیده‌اند) (Bybee & Fleischman, 1995: 6) را نشان می‌دهد. جایی که لزوم وقوع (اجبار^۸)، امکان وقوع رخدادی (اجازه^۹) و حتی



توانایی^{۱۱} یا قصد و اراده^{۱۲} شخص برای وقوع کنش و یا ایجاد حالتی از امور مطمح نظر است، با افعال وجهی غیر معرفتی یا بنیادی روبه‌رو هستیم (به این نوع وجهیت کنشگر محور نیز گفته می‌شود). در طبقه‌بندی جزئی‌تر، وجهیت بنیادی دو زیرمجموعهٔ تکلیفی^{۱۳} و پویا^{۱۴} را دربر می‌گیرد. در نوع تکلیفی، یک قدرت بیرونی، مانند فرد خاص، هنجارهای اجتماعی یا مجموعه قوانین شخص مخاطب یا سوم شخص دیگری را برای انجام کنش تحت‌اجبار قرار می‌دهد یا به او اجازهٔ انجام دادن آن کار را می‌دهد. در مقابل، در وجهیت بنیادی غیر تکلیفی یا پویا، این امکان یا ضرورت از عامل بیرونی یا قدرت خاصی نشئت نگرفته است؛ بلکه نیروی بالقوهٔ درونی یا شرایط موجود، لزوم یا احتمال وقوع کنشی را از سوی شخص فراهم می‌کند و در نتیجه، عناصر وجهی که بر توانایی و قصد و ارادهٔ فرد دلالت دارند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. در مثال‌های زیر، نمونه‌هایی از افعال وجهی معرفتی و بنیادی پویا و تکلیفی را به همراه دو مفهوم الزام و امکان ارائه کرده‌ایم:

۳. الف. چراغ‌ها روشن‌شده. باید تو خونه باشندی (معرفتی، ضروری).

ب. گویندهٔ اول: فکر می‌کنی اون اخراج شده.

گویندهٔ دوم: میشه هم باز نشست شده باشی (معرفتی ممکن).

۴. الف. اگر می‌خواهی بهتر بشی، باید داروهایت را مصرف کنی (بنیادی تکلیفی ضروری).

ب. اگر بخواهی تو هم می‌تونی اینجا بمونی (بنیادی تکلیفی ممکن).

۵. الف. با این امکانات تو می‌تونی بازیکن خوبی بشی (بنیادی پویا یا غیر تکلیفی ممکن).

ب. باید بیش از این تلاش کنی (بنیادی پویا یا غیر تکلیفی ضروری).

ج. او می‌تواند رانندگی کند (بنیادی پویا با مفهوم توانایی).

د. او می‌خواهد این خانه را بخرد (بنیادی پویا با مفهوم اراده کردن).

۳. افعال وجهی: ارتقایی یا کنترلی؟

پس از طبقه‌بندی معنایی افعال وجهی به دو دستهٔ معرفتی و بنیادی (تکلیفی و پویا)، زبان‌شناسان کوشیدند با اتخاذ رویکردهای متفاوت، این تمایزات معنایی را تبیین کنند.

گروهی با اتخاذ رویکردی نحوی تلاش می‌کنند تمایزات معنایی افعال وجهی را به تمایز نحوی آن‌ها نسبت دهند (ر.ک: هافمن، ۱۹۶۶؛ راس، ۱۹۶۹؛ پرمیوتر، ۱۹۷۱؛ جکنداف، ۱۹۷۲؛ هادلستون، ۱۹۷۴؛ استیدمن، ۱۹۷۷؛ زوبیزارت، ۱۹۸۲؛ کوتس، ۱۹۸۳؛ روبرتز، ۱۹۸۵؛ پالمر، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵؛ هین، ۱۹۹۵؛ اجر، ۱۹۹۷؛ چینکوئه، ۱۹۹۹). درمقابل، تعداد کمی از زبان‌شناسان مرتبط دانستن تمایز معنایی افعال وجهی معرفتی و بنیادی به ویژگی‌های دستوری را از پایه نادرست می‌دانند. این زبان‌شناسان با اتخاذ رویکردی کاربردشناختی-معنایی معتقدند که حتی تمایزهای ساختاری بین این جملات تبیینی مفهومی دارد (ر.ک: رورت، ۱۹۹۱؛ لنگندون، ۲۰۰۲؛ پاپافراگ، ۲۰۰۰). در مقاله حاضر، با تمرکز بر یکی از تمایزات نحوی موردنظر گروه اول، یعنی ارتقایی یا کنترلی بودن افعال وجهی معرفتی و بنیادی، می‌کوشیم تا بدانیم که آیا در زبان فارسی، تمایز معنایی افعال وجهی معرفتی و بنیادی با این ویژگی نحوی مرتبط است یا نه.

دربین زبان‌شناسانی که از رویکرد نحوی برای تمایز بین افعال وجهی بنیادی و معرفتی بهره می‌گیرند، برخی (هافمن، ۱۹۶۶؛ راس، ۱۹۶۹؛ پرمیوتر، ۱۹۷۰؛ جکنداف، ۱۹۷۲؛ هادلستون، ۱۹۷۴؛ دروبیگ، ۲۰۰۱ و ...) در تحلیلی نامتقارن و تقابلی، افعال وجهی معرفتی را محمول‌های ارتقایی و افعال وجهی بنیادی را محمول‌های کنترلی می‌دانند. درمقابل، گروه دیگری از زبان‌شناسان (ورمیرند، ۱۹۹۹؛ ورمیرند و بابلیک، ۱۹۹۹؛ باریرز، ۲۰۰۶ و ...) با ارائه تحلیلی متقارن، تمامی انواع افعال وجهی را ارتقایی می‌دانند.

۳-۱. دیدگاه نامتقارن در مورد رفتار نحوی افعال وجهی

در دیدگاه نامتقارن در چارچوب نظریه زایشی، اولین تبیین‌ها را راس (۱۹۶۹) ارائه کرد که تحلیل «کنترلی درمقابل ارتقایی» نام گرفت. براساس یافته‌های این مطالعات، افعال وجهی بنیادی به‌عنوان افعال کنترلی و افعال وجهی معرفتی به‌عنوان افعال ارتقایی شناخته می‌شوند. به این ترتیب، در مثال 6-a که به‌عنوان ساخت کنترلی فرض می‌شود، «John» نقش معنایی خود را از فعل بنیادی «should» دریافت می‌کند و فاعل ضمیر مستتر را در بند پایینی کنترل می‌کند. در ساختار وجهی معرفتی در مثال 6-b، «John» نقش معنایی خود را از فعل بند پیرو



دریافت می‌کند و سپس به جایگاه فاعل بند پایه حرکت می‌کند. به این ترتیب، فاعل این جمله هیچ نقش فاعلی از فعل وجهی دریافت نمی‌کند. این موضوع در جملات زیر مشخص است:

6. a. John should go. فعل وجهی بنیادی: ساخت کنترلی

فعل نقش معنایی ضمیر مستتر فعل وجهی نقش معنایی گروه اسمی
 go. ← PRO ← should ← John

b. John should have gone. فعل وجهی معرفتی: ساخت ارتقایی

فعل نقش معنایی گروه اسمی فعل وجهی
 have gone ← John ← Should

تحلیل کنترلی ارتقایی از افعال وجهی به پیش‌بینی‌هایی منجر می‌شود که به صورت خاص به مشخصه‌های فاعل در ساختار وجهی مربوط است. این پیش‌بینی‌ها عبارت‌اند از:
 الف. افعال کنترلی (سعی کردن) به فاعلی از نوع کنشگر منطقی نیاز دارد؛ درحالی که افعال ارتقایی (به‌نظر رسیدن) هیچ الزام‌گزینشی بر فاعلشان تحمیل نمی‌کنند. بنابراین، اگر افعال وجهی بنیادی فعل‌های کنترلی هستند، انتظار می‌رود که فاعل پوچواژه‌ای یا فاعل غیرجاندار در جایگاه فاعلی آن به‌کار نرود؛ اما افعال وجهی معرفتی به‌عنوان افعال ارتقایی می‌توانند با فاعل پوچواژه‌ای یا غیرجاندار به‌کار روند. همان‌طور که در 7a-c می‌بینیم، این جملات که حاوی فاعل روساختی پوچواژی و غیرجاندار هستند، تنها در صورتی خوش‌ساخت هستند که دارای خوانش معرفتی باشند.

7. a. There may be a demonstration today. ('It is likely.../*...is allowed')
 b. It may be raining. ('It is likely. ../*.. .is allowed')
 c. The political uncertainty may lead to early elections. ('It is likely.../*...is allowed')

(Papafragou, 2000: 90)

ب. از آنجا که فعل وجهی بنیادی همانند فعل کنترلی اعطاکننده نقش معنایی است، در صورت مجهول‌سازی فعل، باید معنای جمله تغییر کند؛ اما مجهول‌سازی فعل وجهی

معرفتی بر معنای جمله تأثیر نمی‌گذارد. در مثال ۸، فعل وجهی «may» با خوانش بنیادی «اجازه داشتن»، در صورت مجهول شدن، معنای جمله را تغییر می‌دهد؛ به طوری که در جمله 8-a در مورد حق و حقوق خویشاوندان و در جمله 8-b دربارهٔ حق و حقوق دانش‌آموزان صحبت شده است. با این حال، در مثال ۹، مجهول‌سازی فعل وجهی «may» با خوانش معرفتی احتمال داشتن، بر معنای جمله تأثیر نمی‌گذارد و مفهوم هردو جمله این است که تیم خانگی احتمال برنده شدن را دارد.

8. a. Relatives may visit the students on Mondays.
 b. The students may be visited by relatives on Mondays.
 9. a. The home team may win the game.
 b. The game may be won by the home team

(Ibid)

ج. افعال وجهی بنیادی مانند محمول‌های کنترلی، گزاره‌های کنشی یا ایستای غیرواقعی شرایط محور^{۱۰} (کنش یا حالتی از امور که شرایط فراهم آوردن آن از سوی فرد امکان‌پذیر است) را به‌عنوان متمم خود می‌پذیرند؛ اما نمی‌توانند متمم ایستای واقعی فرد محور^{۱۱} (به مشخصه ذاتی فرد یا عنصر دلالت دارد و توسط وی قابل کنترل نیست) را برگزینند. به این ترتیب، در جملات ۱۰، افعال وجهی دارای متمم ایستای واقعی خوانش معرفتی دارند. متمم این جملات گزاره ایستای واقعی است؛ زیرا بلندی قد و سخنور بومی زبانی بودن مشخصه ذاتی فرد و غیرقابل کنترل است. جملات ۱۱ که به ترتیب در آنها، فعل دارای متمم ایستای غیرواقعی و متمم کنشی است، حاوی خوانش بنیادی هستند.

10. a. He must be tall.
 b. They may be native speakers of Japanese.
 11. a. You should be quiet.
 b. You may open the window.

(Papafragou, 2000: 91)

د. مسئله دیگر به مشخصه‌های نحوی متمم فعلی مربوط است. خوانش معرفتی و بنیادی محدودیت‌های گزینشی متفاوتی را بر نمود متمم فعلی اعمال می‌کند؛ به طوری که اگر فعل



وجهی دارای خوانش بنیادی باشد، متمم آن نمی‌تواند نمود تام^{۱۷} یا استمراری^{۱۸} داشته باشد. به همین دلیل، افعال وجهی زیر که به ترتیب با متمم حاوی نمود تام و استمراری به کار رفته‌اند، تنها خوانش معرفتی دارند.

12. a. He must have been very ill then,
b. You must be joking.

(Ibid)

۵. نکته دیگر به حوزه افعال وجهی معرفتی و بنیادی مربوط است. حوزه افعال وجهی معرفتی از افعال وجهی بنیادی بزرگتر است و بنابراین، در صورتی که با هم به کار روند، باید فعل وجهی معرفتی پیش از فعل وجهی بنیادی قرار گیرد (Brown, 1991: 76-78). خوش‌ساختی جمله ۱۳ در مقابل بدساختی مثال ۱۴، بیانگر این موضوع است. چنین‌گونه در تحلیل بین‌زبانی، ترتیب قرارگیری هسته‌های نقشی زیرهسته متمم‌نا و وسیع‌تر بودن حوزه فعل وجهی معرفتی در مقایسه با بنیادی را به دستور جهانی متعلق می‌داند و معتقد است که این پدیده در همه زبان‌ها رخ می‌دهد (Cinque, 1999: 76).

13. epistemic > root
They may have to go soon.
14. *root > epistemic
*It must be likely to rain tomorrow.

ناگفته نماند که در بین زبان‌شناسانی که در مورد رفتار نحوی افعال وجهی معرفتی و غیرمعرفتی دیدگاه تقابلی اتخاذ کرده‌اند، برخی به رفتار دوگانه افعال وجهی غیرمعرفتی تکلیفی اشاره کرده‌اند. به نظر برخی از زبان‌شناسان (برنن، ۱۹۹۳)، تحلیل مقابله‌ای ارتقایی و کنترلی در مورد تمامی افعال وجهی معرفتی و همچنین افعال وجهی غیرمعرفتی گرایش^{۱۹} مشتمل بر توانایی و اراده، صادق است؛ اما افعال وجهی تکلیفی با تحلیل مقابله‌ای ارتقایی و کنترلی تناقض دارند و از جهاتی با افعال کنترلی و از جهات دیگر با افعال ارتقایی همخوانی دارند. به عقیده این زبان‌شناسان، یک راه‌حل این است که افعال وجهی تکلیفی را دارای ساختار موضوعی مبهم بدانیم که گاهی گزینش فاعلی دارد و گاهی این گزینش را ندارد.

جمله زیر، نتیجه گرفته شده است که فعل «must» در صورتی که خوانش فاعل مدار داشته باشد، کنترلی و در صورتی که خوانش گزاره محور^{۲۰} داشته باشد، ارتقایی است.

15. John must eat his food:

- a. John himself must eat his food. (خوانش کنترلی: خوانش فاعل مدار)
 b. Somebody else must feed John. (خوانش ارتقایی: خوانش گزاره محور)

به دلیل رفتار دوگانه افعالی که دارای وجهیت تکلیفی هستند، برخی از زبان‌شناسان (ون در اورا و پلونگین، ۱۹۹۸؛ چپر و زووارتس، ۲۰۰۹) طبقه‌بندی معنایی دیگری از وجهیت را ارائه کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی جدید، سه ملاک در نظر گرفته می‌شود. براساس ملاک نخست، وجهیت به دو دسته مشارک درونی (+internal) و غیردرونی (-internal) تقسیم می‌شود. ملاک دوم به گزاره‌ای (+propositional) و غیرگزاره‌ای (-propositional) بودن وجهیت مربوط می‌شود و با توجه به رفتار دوگانه افعال وجهی تکلیفی، در ملاک سوم، تکلیفی و غیرتکلیفی بودن وجهیت در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، تفاوت تکلیفی مستقیم و غیرمستقیم توسط دو مشخصه [+درونی] و [-درونی] نشان داده می‌شود. در تکلیفی مستقیم، مشارک در انجام کنش به صورت مستقیم درگیر است و از فعل وجهی نقش معنایی می‌گیرد و بنابراین، ساخت کنترلی را تشکیل می‌دهد. در تکلیفی غیرمستقیم که فاعل جمله به صورت غیرمستقیم و از طریق عامل تلویحی در انجام کنش حضور دارد و بنابراین از فعل وجهی نقش معنایی نمی‌گیرد، با ساخت ارتقایی سروکار داریم. در مثال‌های زیر از زبان هلندی، در جمله 16-a با وجهیت [+درونی و +تکلیفی] و در جمله 16-b با وجهیت [-درونی و +تکلیفی] روبه‌رو هستیم.

16. a. Het comite mag Jan nomineren
 The committee may John nominate.
 The committee may nominate John.
 b. Jan mag genomineerd worden.
 John may nominated become
 John may be nominated.

(Schepper & Zwarts, 2009: 256)



گفتنی است که از نظر برخی از زبان‌شناسان (بات، ۱۹۹۹)، الزاماً تمایز بین تکلیفی مستقیم و غیرمستقیم در هر زبانی کدگذاری نمی‌شود و به راحتی زبان‌هایی یافت می‌شوند که فاقد تکلیفی مستقیم هستند. مشخصه‌های [+درونی] و [-درونی] علاوه بر اینکه در تمایز دستوری ارتقایی و کنترلی افعال تکلیفی اثر می‌گذارند، در تشخیص این تمایز در افعال غیرتکلیفی نیز تأثیرگذار هستند. در نتیجه، ارتقایی بودن افعال معرفتی به این دلیل که دارای مشخصه‌های [+گزاره‌ای]، [-درونی] و [-تکلیفی] هستند، قابل بحث نیست. با این حال، برای افعال مشارک درونی غیرتکلیفی [-گزاره‌ای، +درونی، -تکلیفی] و وجهیت مشارک برونی غیرتکلیفی [-گزاره‌ای، -درونی، -تکلیفی]، شرایط مبهم‌تر است (راس، ۱۹۶۹؛ پولوم و ویلسون، ۱۹۷۷؛ برن، ۱۹۹۳؛ ورمبرند، ۱۹۹۹؛ اید، ۲۰۰۲). از نظر زبان‌شناسان، دلیل اصلی این موضوع این است که مرز بین افعال وجهی نامشخص است.

۲-۳. دیدگاه متقارن در مورد رفتار نحوی افعال وجهی

در مقابل زبان‌شناسانی که با ارائه استدلال‌های مطرح‌شده بالا می‌کوشند رویکردی تقابلی در مورد افعال وجهی بنیادی و معرفتی اتخاذ کنند، زبان‌شناسان گروه دوم، مانند ورمبرند (۱۹۹۹)، با ارائه دلایلی نشان می‌دهند که فاعل ساختار وجهی درحقیقت موضوع محمول پایین‌تر است و ویژگی‌های معنایی و حالتی فاعل ازسوی محمول بند پایینی مشخص می‌شود. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که افعال وجهی به‌طور کلی ارتقایی هستند. ورمبرند برای اثبات این موضوع، از سه شاهد زیر استفاده می‌کند:

۱. گزینش فاعل توسط فعل بند پیرو؛

۲. رابطه حوزهای بین فاعل و فعل وجهی؛

۳. نقش معنایی نداشتن افعال وجهی (Wurmbrand, 1999: 600).

در مورد تبیین‌هایی که ورمبرند (۱۹۹۹، ۲۰۰۱) برای مورد اول ارائه کرده است، موارد زیر هم وجود دارند:

الف. علاوه بر جملات حاوی افعال وجهی معرفتی، پوچواژۀ «there» ممکن است در جایگاه ابتدایی جملات حاوی افعال وجهی با خوانش بنیادی نیز قرار گیرد؛ مانند جمله زیر:

17. a. There can be a party as long as it's not too loud.

b. There must be a solution to this problem on my desk, tomorrow morning!

(Ibid, 2001: 189)

ب. استدلال دیگر وی مبنی بر مبحث حالت در زبان ایسلندی است. در این زبان، حالت بی‌نشان فاعل، حالت فاعلی است. با این حال، در این زبان افعال خاصی وجود دارند که به فاعلشان حالتی غیرمعمول می‌بخشند. برای نمونه، فعل *lika* (like) و *vanta* (lack) به ترتیب به فاعلشان حالت مفعول غیرصریح (dative) و حالت مفعولی (accusative) می‌دهند. همان‌طور که در مثال‌های ۱۸ مشخص است، حتی هنگامی که فعل وجهی دارای خوانش بنیادی باشد، فاعل حالت خود را از فعل بند پایین‌تر می‌گیرد. در مثال‌های زیر، به ترتیب فاعل از فعل *lika* حالت مفعول غیرصریح و از فعل *vanta* حالت مفعولی گرفته است؛ درحالی که اگر فاعل حالت خود را از فعل بند پایه دریافت می‌کرد، باید دارای حالت بی‌نشان فاعلی می‌شد.

18. a. Haraldur /*Haraldur verdur ad lika hamborgarar
Harold-DAT /Harold-NOM must to like hamburgers

(برای اینکه خویشاوندانش او را بپذیرند) هارولد باید همبرگر را دوست داشته باشد.

b. Umscekjandann verdur ad vanta peninga.
The-applicant-ACC must to lack money

درخواست‌کننده (برای اینکه از این کمک‌هزینه تحصیلی استفاده کنه) باید از نظر مالی ضعیف باشه.

(Ibid, 1999: 602)

ج. شاهد دیگری که ورمبرند (۱۹۹۹، ۲۰۰۱) در حمایت از تحلیل متقارن خود از افعال وجهی ارائه می‌کند، در رابطه با ساخت مجهول در زبان آلمانی است. مجهول‌سازی محمول در این زبان هنگامی امکان‌پذیر است که محمول موضوع زیرساختی بیرونی داشته باشد. در نتیجه، در زبان آلمانی، محمول‌های متعدی و لازم (غیرارگتیو) مجهول می‌شوند؛ اما محمول ناگذر قابلیت مجهول‌سازی ندارد. ورمبرند (۱۹۹۹) معتقد است که برخلاف افعال کنترلی، افعال ارتقایی که موضوع بیرونی دارند مجهول نمی‌شوند و از آنجا که افعال وجهی قابلیت مجهول‌سازی ندارند، همگی ارتقایی هستند. موضوع دیگر به محمول بند درونه مربوط است که مجهول شدن آن در ساخت کنترلی به بدساختی جمله منجر می‌شود (19-b). با این حال، جمله ارتقایی 19-a با وجود مجهول‌سازی محمول بند درونه، همچنان خوش‌ساخت است. در جمله 19-c، چه خوانش معرفتی در نظر گرفته شود چه خوانش بنیادی، مجهول-



سازی بند درونه مشکلی ایجاد نمی‌کند. بنابراین در هر دو خوانش، فعل وجهی دارای ساخت ارتقایی است.

- 19.a. The biscuits seem to have been finished by Paul
 b. *The biscuits tried/decided to be finished by Paul
 c. The biscuits may be finished by Paul.

(Wurmbrand, 1999: 604)

درباره مورد دوم، یعنی رابطه حوزه‌های بین فاعل و فعل وجهی، ورمبرند (۱۹۹۹، ۲۰۰۱) خاطر نشان می‌کند که از لحاظ حوزه‌ای، افعال ارتقایی خوانشی مبهم دارند (می‌توانند حوزه‌ای گسترده‌تر از فاعل یا محدودتر از آن داشته باشند)؛ اما افعال کنترلی فقط می‌توانند خوانش وسیع‌تر داشته باشند. از آنجا که طبق مثال‌های زیر، فعل وجهی چه معرفتی باشد (۲۰a) چه بنیادی (۲۰b)، دارای خوانشی مبهم است، نتیجه می‌گیریم که فعل وجهی در هر دو خوانش، ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد.

20. a. Somebody from New York must have won in the lottery (non-root)

الف. شخصی از نیویورک هست و او باید در بخت‌آزمایی برنده بشه.

ب. مورد باید این‌طور باشه که شخصی از نیویورک در بخت‌آزمایی برنده بشه.

- b. An Austrian must win the next race (in order for Austria to have the most gold medals; root reading)

الف. شخص استرالیایی هست که برایش ضروریه که در مسابقه بعدی برنده بشه.

ب. لازمه که یک استرالیایی در این مسابقه برنده بشه.

(Wurmbrand, 2001: 193-194)

در نهایت، ورمبرند (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که افعال وجهی بنیادی در هیچ ساختاری نمی‌توانند حالت ببخشند و رابطه ظاهری بین فاعل و فعل وجهی فقط بر پایه بافت است.

21. There can be a party as long as it is not too loud
 The biscuits may be finished by Paul (Warner, 1993)
 An opening hand must contain 13 points (Newmeyer, 1975)
 Icicles may hang from the eavestroughs (McGinnis, 1993)

(Wurmbrand, 1999: 610)

ورمبرند (۱۹۹۹، ۲۰۰۱) از شواهد بالا نتیجه می‌گیرد که تمام این ویژگی‌ها در صورتی قابل تبیین هستند که فاعل روساختی، موضوع محمول بند درونه باشد؛ یعنی ساختار وجهی

ارتقایی باشد، نه کنترلی. در مورد افعال وجهی تکلیفی (مثال ۱۵)، ورمبرند (۱۹۹۹) معتقد است که خوانش دوم از فعل وجهی تکلیفی که محمولی تکموضوعی است (خوانش تکلیفی گزاره‌محور که گزاره را به عنوان موضوع انتخاب می‌کند)، معمول‌تر است.

۴. مطالعات پیشین

در زمینه وجهیت در زبان فارسی، از دیدگاه نحوی (باطنی، ۱۳۵۴؛ غلامعلی‌زاده؛ ۱۳۷۴؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹) و نحوی‌معنایی (طالقانی، ۲۰۰۸؛ توانگر و عموزاده، ۲۰۰۹؛ کریمی‌دوستان و ایلخانی‌پور، ۱۳۹۱؛ اخلاقی، ۱۳۸۶؛ عموزاده و رضایی، ۱۳۸۹؛ عموزاده و شاه‌ناصری، ۱۳۹۰؛ رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲؛ داوری، ۱۳۹۴) مطالعات متعددی انجام شده است. با این حال، برای تشخیص ارتقایی یا کنترلی بودن افعال وجهی در زبان فارسی، پژوهش‌چندانی انجام نشده است و در این زمینه، تنها می‌توانیم به پژوهش طالقانی (۲۰۰۸) اشاره کنیم. طالقانی (۲۰۰۸) که علاوه بر افعال وجهی، افعال شبه‌وجهی را نیز مطالعه می‌کند، برخلاف نظر ورمبرند (۱۹۹۹) و همسو با دیدگاه تقابلی، افعال وجهی بنیادی را در زبان فارسی کنترلی و افعال وجهی معرفتی را شبه‌ارتقایی می‌داند. به نظر وی، افعال وجهی و شبه‌وجهی بنیادی، از قبیل توانستن، مجبور بودن، اجازه داشتن و احتیاج داشتن، به فاعل روساختی خود نقش معنایی و حالت می‌دهند. با این حال، فاعل روساختی محمول وجهی معرفتی در اصل در جایگاه فاعلی بند درونه ادغام می‌شود و مشخصه‌های شخص و شمار و حالت خود را با فعل بند درونه بازبینی می‌کند و سپس به صورت اختیاری و طی فرآیند مبتداسازی، به بند بالاتر حرکت می‌کند. طالقانی (۲۰۰۸) به وجود ساخت ارتقایی در زبان فارسی قائل نیست و به دلیل عدم تطابق فاعل روساختی و فعل بند پایه، این ساخت‌ها را شبه‌ارتقایی می‌داند؛ در حالی که در تمام زبان‌های دنیا، افعال وجهی ناقص فاقد تصریف هستند. حتی در زبان‌هایی مانند زبان انگلیسی که تطابق بین فاعل ارتقایافته و فعل اصلی ارتقایی (seem) در بند پایه الزامی است، در مورد افعال وجهی ناقص، به دلیل فاقد تصریف بودنشان، تطابق آن‌ها با فاعل ارتقایافته در نظر گرفته نمی‌شود و فارغ از تصریف‌ناپذیر بودن افعال وجهی اصلی، برخی از زبان‌شناسان همگی این افعال را و گروهی از آن‌ها را ارتقایی می‌دانند. به نظر می‌رسد که در زبان فارسی نیز عدم تطابق فعل وجهی با فاعل تبیین درستی



برای شبه‌ارتقایی دانستن این ساخت‌ها فراهم نمی‌کند. ازسوی دیگر، علاوه بر زبان فارسی، در زبان‌های ضمیرانداز ثابت دیگر نیز حتی افعال اصلی ارتقایی فاقد تصریف یا به سخن دیگر، دارای تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد هستند و این عدم تطابق نمی‌تواند بر مبتداسازی فاعل بند درونه به بند بالاتر دلالت کند. در این بخش، با تمرکز بر رفتار نحوی و معنایی افعال «بایستن» و «شدن» که دست‌نویسان و زبان‌شناسان فارسی‌زبان در مورد وجهی بودن آن‌ها متفق‌القول هستند، می‌خواهیم بدانیم که آیا در زبان فارسی، می‌توانیم طبق گفته طالقانی (۲۰۰۸)، تمایز معنایی افعال وجهی معرفتی و بنیادی را با ارتقایی یا کنترلی بودن آن‌ها مرتبط بدانیم یا نه.

۵. ملاک‌های تشخیص برای بازنمایی نحوی افعال وجهی اصلی

اینک با توجه به دو رویکرد تقارنی و تقابلی نسبت به افعال وجهی، ملاک‌هایی را برای تشخیص کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی ارائه می‌کنیم تا با محک زدن افعال وجهی اصلی فارسی با آن‌ها، در مورد تمایز نحوی افعال وجهی معرفتی و بنیادی از این جنبه تصمیم مناسبی بگیریم. ملاک‌های ارائه‌شده عبارت‌اند از:

الف. مجهول‌سازی: از آنجا که فعل ارتقایی فاقد موضوع بیرونی است، انتظار می‌رود که مجهول‌سازی بند متممی باعث تغییر خوانش معنایی جمله نشود؛ اما برخلاف آن، در ساخت‌های کنترلی، مجهول‌سازی بند درونه باعث تغییر معنا یا گاهی بدساختی جمله می‌شود.

ب. اصطلاح‌پاره: به دلیل فقدان موضوع بیرونی در افعال ارتقایی برخلاف ساخت کنترلی، با ارتقای فاعل اصطلاح‌پاره‌ها به جایگاه فاعلی این افعال، همچنان معنای اصطلاحی حفظ می‌شود.

ج. تصریف‌ناپذیری: باهم‌آیی افعال ارتقایی با فاعل پوچواژی مجاز است. در زبان فارسی همانند زبان‌های ضمیرانداز ثابت دیگری چون ایتالیایی (ریتزی، ۱۹۸۲)، پوچوازه ممکن است غیرآشکار باشد و نمود پوچوازه غیرآشکار روی فعل، تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد خواهد بود. بنابراین، هرچند در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی با وارد کردن

پوچواژه آشکار در جایگاه فاعلی افعال وجهی، درمورد ارتقایی بودن یا نبودن این افعال به نتیجه نمی‌رسیم، تصریف‌ناپذیری فعل نشان‌دهنده ارتقایی بودن آن است.

د. نوع بند متممی: گزینش نوع بند متممی با افعال وجهی به‌عنوان محکی برای تشخیص تمایز نحوی افعال وجهی به‌کار می‌رود؛ به این صورت که اگر فعل وجهی با متمم ایستای غیرواقعی و کنشی به‌کار رود، فعل کنترلی و اگر با متمم ایستای واقعی به‌کار رود، فعل ارتقایی خواهد بود.

ه. ابهام حوزه‌ای: در افعال ارتقایی، حرکت فاعل از بند پایین‌تر به جایگاه فاعلی بند بالاتر باعث می‌شود که در این نوع ساخت‌ها، ابهام حوزه‌ای را مشاهده کنیم. فاعل ممکن است حوزه‌ای وسیع‌تر یا کوچک‌تر از محمول اصلی داشته باشد؛ درحالی که درمورد افعال کنترلی، تنها خوانش وسیع‌تر جایز است. در ادامه، افعال وجهی (بایستن، شدن) را در خوانش‌های مختلف معرفتی و بنیادی، با محک‌های بالا می‌آزماییم تا درمورد کنترلی یا ارتقایی بودن آن‌ها به نتیجه مناسبی برسیم.

۵-۱. فعل وجهی بایستن

- فعل وجهی «بایستن» در هر دو خوانش معرفتی و بنیادی (تکلیفی و پویا)، به‌کار می‌رود.^{۲۱}
۲۲. الف. آن‌ها باید ماشین را برده باشند (معرفتی).
- ب. علی باید تا ساعت سه دارویش را بخورد (بنیادی تکلیفی).
- ج. من باید این مشکل را حل کنم (بنیادی پویا).
- الف. مجهول‌سازی: همان‌طور که در مثال‌های زیر می‌بینیم، مجهول‌سازی بند درونه، چه خوانش محمول وجهی معرفتی باشد چه بنیادی، تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند. این امر بر ارتقایی بودن این فعل در هر دو نوع خوانش دلالت می‌کند.
۲۳. الف. ماشین باید توسط آن‌ها برده شده باشد.
- ب. دارو باید توسط علی خورده شود.
- ج. این مشکل باید توسط من حل شود.



ب. اصطلاح‌پاره‌ها: همان‌طور که در مثال‌های ۲۴ در جملات اصطلاحی که زیر آن‌ها خط کشیدیم مشخص است، ارتقای فاعل اصطلاحی در جایگاه فاعلی فعل وجهی «بایستن» در هر دو خوانش معرفتی و بنیادی تغییری در مفهوم اصطلاحی ایجاد نمی‌کند.

۲۴. الف. مشکل از اینجا نیست. آب باید از سرچشمه گل‌آلود باشه (باید آب از سرچشمه گل‌آلود باشه).

- ب. الان که وضعیت خوبه. شاهنامه باید آخرش خوش باشه.
- ج. این‌طوری نمیشه. یک کاری کن. پته‌اش باید روی آب بیفته.
- ج. تصریف‌ناپذیری: هرچند فعل وجهی «بایستن» دارای تصریف زمان است، در هر دو خوانش معرفتی و بنیادی، از نظر شخص و شمار تصریف‌ناپذیر است و این تصریف‌ناپذیری نشان‌دهنده ارتقایی بودن آن است.
- د. نوع بند متممی: فعل وجهی «بایستن»، چه خوانش معرفتی داشته باشد (۲۵ الف) چه بنیادی (۲۵ ب و ج)، بند متممی از نوع ایستای واقعی را می‌تواند برگزیند.
۲۵. الف. چند سال فرانسه بوده باید زبان فرانسوی بدونه.
- ب. اگر کشاورزی بخواد رونق پیدا کنه، باید امسال بارون خوبی بیاره.
- ج. اگر بخوای در این ورزش موفق بشی، باید چند سانت دیگه قد بکشی.
- ه. ابهام حوزه‌ای: در هر دو خوانش معرفتی و بنیادی، فعل وجهی «بایستن» ممکن است حوزه‌ای وسیع‌تر یا کوچک‌تر از فاعل روساختی داشته باشد.
۲۶. الف. دانش‌آموز اون کلاس باید این کار را کرده باشه.
- ب. دانش‌آموزی در آن کلاس هست که او حتماً این کار را کرده است.
- ج. استنباط قطعی من این است که دانش‌آموزی از آن کلاس این کار را کرده است.
۲۷. الف. دکتر گفته وضعیتت اصلاً خوب نیست، تو باید داروهایت را سر وقت بخوری.
- ب. تو هستی که برایت الزامی است که داروهایت را سر وقت بخوری.
- ج. الزامی است که داروهایت را سر وقت بخوری.

۲-۵. فعل وجهی «شدن»

فعل وجهی «شدن» در هردو خوانش معرفتی و بنیادی به کار می‌رود.

۲۸. الف. شاید علی این کار را کرده باشد. همیشه هم حسن انجام داده باشد (معرفتی به معنای احتمال دارد).

ب. این نوع ماشین خیلی خوبه و ارزونه. تو هم همیشه اون را بخری (بنیادی به معنای این امکان وجود دارد).

ج. از ساعت ۴ به بعد همیشه کتاب را به امانت ببری (بنیادی به معنای اجازه هست).
الف. مجهول‌سازی: مجهول‌سازی بند متممی خوانش معنایی جملات بالا را تغییر نمی‌دهد.
۲۹. الف. این کار همیشه توسط حسن انجام شده باشد.
ب. این ماشین همیشه توسط تو خریده بشه.
ج. این کتاب همیشه توسط تو به امانت برده بشه.
ب. اصطلاح‌پاره‌ها: ارتقای فاعل اصطلاحی در هردو خوانش معرفتی و بنیادی این فعل، تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند.

۳۰. الف. با این وضعیت دستش همیشه رو بشه.
ب. حالا دیگه وقتشه، علی همیشه دنبال نخود سیاه فرستاده بشه.
ج. دیگه می‌تونی همه چیز را رو کنی، حالا دیگه پتاش همیشه رو آب بیفته.
ج. تصریف‌ناپذیری: همان‌طور که در مثال‌های بالا مشخص است، فعل وجهی «شدن» در هردو خوانش معرفتی و بنیادی، فاقد تصریف شخص و شمار است.
د. نوع بند متممی: فعل وجهی «شدن» در هردو خوانش، امکان باهم‌آیی با متمم ایستای واقعی را دارد.

۳۱. الف. همیشه علی از اینکه گفتی جوون‌تر باشه.
ب. اون بیست سالشه، دیگه قد نمی‌کشه؛ اما تو هنوز دوازده سالته، همیشه چند سانت دیگه قد بکشی.

ه. ابهام حوزه‌ای: همان‌طور که در نمونه‌های زیر می‌بینیم، این فعل وجهی در هردو خوانش ممکن است ابهام حوزه‌ای داشته باشد.
۳۲. الف. این تیم هم همیشه امسال برنده بشه.



- ب. تیمی وجود دارد که ممکن است امسال این تیم برنده بشه.
 ج. این احتمال وجود دارد که این تیم امسال برنده بشه.
 ۳۳. الف. بچه‌های این کلاس همیشه توی حیاط برند.
 ب. بچه‌های این کلاس هستند که برایشان این اجازه هست که به حیاط بروند.
 ج. اجازه هست که بچه‌های این کلاس به حیاط بروند.
 رفتار متفاوت افعال وجهی اصلی ذکرشده در این قسمت را در جدول زیر خلاصه می‌کنیم و سپس آن‌ها را با پنج ویژگی اصلی ساخت‌های ارتقایی محک می‌زنیم تا در مورد ارتقایی و کنترلی بودن آن‌ها به نتیجه مناسبی برسیم.

جدول ۱: ویژگی کلی افعال وجهی اصلی در خوانش‌های مختلف آن‌ها
Table 1. The General Characteristics of Modal Verbs in Their Different Readings

ابهام حوزه‌ای	بند متممی ایستای واقعی	تصریف‌ناپذیری	اصطلاح‌پاره	مجهول‌پذیری	فعل وجهی
+	+	+	+	+	بایستن معرفتی
+	+	+	+	+	بایستن بنیادی: لازم بودن
+	+	+	+	+	شدن معرفتی: احتمال داشتن
+	+	+	+	+	شدن بنیادی: امکان داشتن

طبق جدول بالا، افعال وجهی «بایستن» و «شدن» در هر دو مفهوم معرفتی و بنیادی، ارتقایی هستند.

چنانکه گفتیم، علاوه بر موضوع معرفتی و غیرمعرفتی بودن افعال وجهی، مسئله معنایی مهم دیگری که بیشتر زبان‌شناسان با توسل به آن افعال وجهی را در دو دسته کنترلی و ارتقایی قرار می‌دهند، موضوع مشارک درونی و مشارک برونی است. در افعال کنترلی، مشارک درونی به‌عنوان عامل مهم برای رویداد کنش تصور می‌شود؛ درحالی که در ساخت

ارتقایی، مشارک برونی انگیزه ایجاد عمل عامل می‌شود. برخی از زبان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که خوانش معرفتی [-درونی] است. ازسوی دیگر، فعل وجهی در خوانش بنیادی پویا باید [+درونی] باشد؛ زیرا در فعل وجهی بنیادی پویا، نیروی بالقوه درونی یا شرایط موجود فرد را به انجام کاری تحریض می‌کند و خوانش بنیادی از نوع تکلیفی نیز ممکن است هم [-درونی] باشد و هم [+درونی]. براساس نظر این زبان‌شناسان، افعال بنیادی پویا که [+درونی] هستند، ساخت کنترلی و افعال معرفتی که [-درونی] هستند، ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهند و افعال وجهی تکلیفی نیز بین خوانش ارتقایی و کنترلی، وضعیتی مبهم دارند. در ادامه، درستی تحلیل بالا را با جملات زیر محک می‌زنیم.

۳۴. الف. علی تا ظهر باید دارویش را خورده باشد (استنباط فرد گوینده: خوانش معرفتی).

ب. (خطاب به پرستار: پرستار باید به او دارویش را بدهد: خوانش بنیادی تکلیفی غیرمستقیم).

ج. (خود علی باید دارویش را بخورد: خوانش بنیادی تکلیفی مستقیم).

۳۵. من باید تکالیفم را انجام دهم (خوانش بنیادی پویا).

جمله ۳۴ مانند مثال ۱ ممکن است که بین خوانش معرفتی و بنیادی مبهم باشد. این جمله بین خوانش تکلیفی مستقیم و غیرمستقیم نیز مبهم است. طبق نظر بالا، انتظار می‌رود که اگر مفهوم جمله این باشد که خود شخص علی باید دارویش را بخورد، خوانش جمله کنترلی است و اگر این خوانش به دست بیاید که کس دیگری باید این دارو را به او بدهد، خوانش جمله ارتقایی خواهد بود. چنانکه گفتیم، شواهد ارائه شده نشان می‌دهند که در زبان فارسی، فعل وجهی «باید»، چه دارای خوانش معرفتی باشد (۳۴ الف) چه بنیادی تکلیفی (۳۴ ب و ج) یا غیر تکلیفی (۳۵)، ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد. همچنین، قبلاً دیدیم که فعل وجهی «شدن» در دو خوانش معرفتی و بنیادی خود دارای رفتار ارتقایی است. به سخن دیگر، شواهد نشان می‌دهند که افعال وجهی «باید» و «شدن» در هر دو خوانش خود، گزاره‌ای هستند و چه مشارک درونی باشند چه مشارک برونی، ساختی ارتقایی خواهند داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد که برخلاف نظر بیشتر زبان‌شناسان که می‌کوشند با توسل به مفهوم معنایی عامل درونی و عامل برونی، تمایز ساخت ارتقایی و کنترلی را تبیین کنند، مفهوم گزاره‌ای و



غیرگزاره‌ای بودن بیانگر تمایز این دو ساخت است. برای نمونه، جمله «علی باید داروهایش را بخورد» به این معنی است که این اجبار وجود دارد که علی داروهایش را مصرف کند. مثلاً شرایط جسمی او به‌گونه‌ای است که او را وادار به استفاده از دارو کرده است؛ بنابراین، هنگامی این جمله بیان می‌شود که تأکید گوینده روی مفهوم گزاره‌ای است. به همین دلیل، چه علی خود دارو را بخورد، چه کس دیگری به او این دارو را بدهد، این وجود اجبار است که مهم است و در هردو صورت، ساخت ارتقایی است.

از آنجا که افعال وجهی اصلی (شدن و بایستن) هردو گزاره‌ای هستند، تا اینجا به‌نظر می‌رسد که تا زمانی که این افعال را در زبان فارسی درنظر داشته باشیم، فرضیه سوم، مبنی بر ارتقایی بودن افعال وجهی، تأیید می‌شود؛ اما با مطالعه بیشتر و بررسی افعال وجهی فرعی، با افعالی (توانستن در معنای توانایی داشتن و خواستن در معنای قصد کردن) مواجه می‌شویم که غیرگزاره‌ای هستند و رفتاری کنترلی از خود بروز می‌دهند. رفتار نحوی و معنایی این دسته از افعال را در مقاله‌ای دیگر بررسی کردیم.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر کوشیدیم با استفاده از راهکارهای معنایی و نحوی، درمورد ارتقایی یا کنترلی بودن افعال وجهی اصلی تصمیم مناسبی بگیریم. در این مقاله، نشان دادیم که تقسیم‌بندی افعال وجهی به کنترلی و ارتقایی بیش از آنکه از معرفتی یا غیرمعرفتی و عامل درونی یا برونی بودن آنها نشئت گرفته باشد، از گزاره‌ای و غیرگزاره‌ای بودن آنها ناشی شده است؛ به‌طوری که افعال وجهی گزاره‌ای، چه خوانش معرفتی داشته باشند چه خوانش غیرمعرفتی و چه مشارک درونی باشند چه مشارک برونی، خوانش ارتقایی دارند و از آنجا که در زبان فارسی، افعال وجهی اصلی (شدن و بایستن) گزاره‌ای هستند، در هردو خوانش معرفتی و غیرمعرفتی (بنیادی و تکلیفی) خود، ساختار ارتقایی را تشکیل می‌دهند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. central modal
2. root
3. non-epistemic

4. epistemic

۵. هرچند در مورد وجود ساخت ارتقایی و کنترلی در زبان فارسی که دارای بند متممی خودایستا است، اتفاق نظر وجود ندارد، در این مقاله، به پیروی از درزی (۱۳۸۸)، درزی و متولیان (۲۰۱۰)، متولیان (۱۳۹۴) و ...، وجود این دو ساخت را در زبان فارسی مفروض می‌دانیم.

6. necessity

7. possibility

۸. برای اطلاعات بیشتر در مورد به‌کارگیری جزئیات این مفاهیم در وجهیت معرفتی و غیرمعرفتی در زبان فارسی، به پژوهش توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) و کریمی‌دوستان و ایلخانی‌پور (۱۳۹۱) رجوع کنید.

9. obligation

10. permission

11. ability

12. volition

13. deontic

14. dynamic

15. Stage-level stative

16. Individual-level stative

17. perfective

18. progressive

19. dispositional

20. Proposition-scope

۲۱. برای اطلاع از روند تحول معانی وجهی «باید» براساس فرآیند معین‌شدگی، به پژوهش داوری (۱۳۹۴) مراجعه کنید.

۸. منابع

- اخلاقی، فریار. (۱۳۸۶). «بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز». *مجله دستور*. ش ۳. صص ۸۲-۱۳۲.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۵۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین (ده مقاله)*. تهران: آگاه.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیاء کتاب.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.



- داوری، شادی. (۱۳۹۴). «از اجبار تا یقین؛ تکوین و تحول معانی وجهی «باید» براساس فرآیند معین‌شدگی». *جشن‌نامه دکتر کورش صفوی*. به‌کوشش مهرداد نغزگوی کهن و محمد راسخ‌مهند. تهران: سیاه‌رود.
- درزی، علی. (۱۳۸۸). «حالت و تطابق در ساخت ارتقا از درون جملات خودایستا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دانشگاه تهران. س ۶۰. پیاپی ۱۸۹. صص ۷۳-۱۰۹.
- رحیمیان، جلال و محمد عموزاده. (۱۳۹۲). «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت». *پژوهش‌های زبانی*. د ۴. ش ۱. صص ۲۱-۴۰.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی‌پور. (۱۳۹۱). «نظام وجهیت در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. د ۳. ش ۱. صص ۷۷-۹۸.
- عموزاده، محمد و حدائق رضایی. (۱۳۸۹). «ابعاد معناشناختی «باید» در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. ش ۱. صص ۵۷-۷۸.
- عموزاده، محمد و شادی شاه‌ناصری. (۱۳۹۰). «بررسی پیامدهای ترجمه از انگلیسی بر مقوله وجهیت در فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. د ۱. ش ۲. صص ۲۱-۵۰.
- متولیان، رضوان. (۱۳۹۴). «توزیع ضمیر مستتر در ساخت کنترل اجباری». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۱. صص ۲۵۳-۲۸۰.

References:

- Adger, D. (1997). *Back to Modals: Some Cross-linguistic Generalisations*. Talk delivered at the Department of Linguistics, University College London, Fall.
- Akhlaghi, F. (2008). “Bayestan”, “Šodan” and “Taevanestan”: three modal Verbs in Modern Persian. *Grammar*. 3, pp. 82-132 [In Persian].
- Amouzadeh, M. & Sh. Shahnasari (2011). “The impact of English on Persian modal auxiliaries through translation”. *Journal of Language Research*. 1(2). Pp. 21-50 [In Persian].
- Amouzadeh, M. H. & Rezaei (2010). “Semantic Aspects of "bayad" (must) in Persian”. *Journal of Language Researches*. 1(1).Pp. 57-78 [In Persian] .

- Bache, C. & N. Davidsen-Nielsen (1997). *Mastering English*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Barbiers, S. (2006). "The syntax of modal auxiliaries". in M. Everaert and H. van Riemsdijk (eds.), *The Blackwell Companion to Syntax*, Vol. 5.(Pp. 1-22). Oxford: Blackwell Publishing,.
- Bateni, M. (1976). *Modern Linguistic Issues (Ten-article)*. Tehran: Agah [In Persian].
- Bhat, D.N.S. (1999). *The Prominence of Tense, Aspect and Mood*. Amsterdam: John Benjamins.
- Brennan, V. (1993). *Root and Epistemic Modal Auxiliary Verbs*. Doctoral Dissertation, University of Massachusetts at Amherst.
- Brown, K. (1991). "Double modals in Hawick Scots". In P. Trudgill and J. Chambers (eds.), *Dialects of English* (Pp. 74-103). London: Longman,.
- Bybee, J. & S. Fleischman (1995). "Modality in grammar and discourse: An introductory essay". In J. Bybee, S. Fleischman (eds.), *Modality in Grammar and Discourse* (Pp 1-14). Amsterdam: Benjamins.
- Cinque, G. (1999). *Adverbs and Functional Heads: A Cross-Linguistic Perspective*. Oxford :Oxford University Press.
- Coates, J. (1983). *The Semantics of The Modal Auxiliaries*. London and Canberra: Croom Helm.
- Darzi, A. & R. Motavallian (2010). "The minimal distance principle and obligatory control in Persian". *Language Sciences*. 32. Pp. 488-504.
- Darzi, A. (2009). "Case and agreement in the raising structure from within the finite sentences" *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. University of Tehran. 60 (189). Pp. 73-109 [In Persian].
- Davari, Sh. (2015). "Jashn-Name ye Dr Kourosh Safavi". In M, Naghzguye Kohan and R. Mahand, (eds.), *From Obligation to Certainty: On Emergence and Evolution*



of Modal Meanings of Bayad based on Auxiliation Process (Pp. 111-149). Tehran: Siyahroud [In Persian].

- Drubig, H.B. (2001). *On the Syntactic form of Epistemic Modality*. Ms, University of Tübingen.
- Eide, Kristin M. (2002). *Norwegian Modals, Doctoral Dissertation, Linguistics Dept.* NTNU, Trondheim.
- GholamAlizade, Kh. (1996). *Persian Structure*. Tehran: Ehya Ketab [In Persian].
- Halliday, M., (1970). “Functional diversity in language as seen from a consideration of modality and mood in English”. *Foundations of Language*. 6. Pp. 322–361.
- Heine, B. (1995). “Agent-oriented vs. epistemic modality: Some observations on German modals”. In J. Bybee and S. Fleischman, (eds.), *Modality in Grammar and Discourse* (pp. 17-53). Amsterdam: Benjamins,.
- Hofmann, T.R. (1966). “Past Tense Replacement and the Modal System” reprinted in McCawley, J. (ed.), *Syntax and Semantics* Vol.7 . New York: Academic Munksgaard. ress.
- Huddleston, R. (1974). “Further remarks on the analysis of auxiliaries as main verbs” in *Foundations of U m u.agg.* 11. Pp. 215-229.
- Huddleston, R.; G. K. Pullum et. al., (eds.). 2002. *Cambridge grammar of the English Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jackendoff, R. (1972). *Semantic Interpretation in Generative Grammar* . Cambridge, MA: MIT Press.
- Karimi-Doostan, Gh. & N. Ilkahnipour (2012). “Modal system in Persian”. *Journal of Language Researches*. 3 (1).Pp. 77-98 [In Persian] .
- Langendoen, D. Terence (2002). *On the Syntactic Form of Epistemic Modality*. Ms: <http://dingo.sbs.arizona.edu/>
- MeshkatoDini, M. (2001). *Introduction to Persian Transformational Syntax*. Second edition. Mashhad: Ferdowsi University Publication[In Persian].

- Motavallian, R. (2015). "Distribution of PRO in obligatory control". *Language Related Research*. 6 (1). Pp.253-280 [In Persian] .
- Palmer, F. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Palmer, F.R. (1990). *Modality and the English Modals*. 2nd edn. London and New York: Longman.
- Palmer, F.R. (1995). "Negation and the modals of possibility and necessity". In J. L. Bybee and S. Fleischman (eds.), *Modality in Grammar and Discourse* (Pp.453–471). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins,.
- Palmer, F.R. (2001). *Mood and Modality*. 2nd edn. Cambridge: Cambridge University Press.
- Papafragou, A. (2000). *Modality: Issues in the Semantics–pragmatics Interface*. Amsterdam and New York: Elsevier Science.
- Perlmutter, D. (1970). "The two verbs begin in Jacobs". R. and P.S. Rosenbaum (eds.), *Readings in English Transformational Grammar*. Boston: Ginn.
- Perlmutter, D. (1971). *Deep and Surface Structure Constraints in Syntax*. Holt, Rinehart and Winston, New York.
- Pullum, G. & W. Deirdre (1977). "Autonomous syntax and the analysis of auxiliaries". *Language* 53.Pp. 741–788.
- Rahimian, J. & M. Amouzadeh (2013). Persian modal verbs and the expression of modality. *Journal of Language Researches*. 4 (1).Pp.21-40 [In Persian].
- Rizzi, L. (1982). *Issues in Italian Syntax*, Dordrecht: Foris.
- Roberts, I. (1985). "Agreement parameters and the development of English modal auxiliaries". *Natural Language and Linguistic Theor*. 3.Pp. 21-58.
- Ross, J. (1969). "Auxiliaries as main verbs". In W.Todd, (ed.) *Studies in Philosophical Linguistics*, Series I. Great Expectations Press, Evanston, IL.
- Ruwet, N. (1991). "Raising and control revisited". In J. Goldsmith and transl (eds.) *Syntax and Human Experience* (Pp. 56-81) , Chicago and London: University of Chicago Press.



- Schepper, Kees de Joost Zwarts (2009). “Modal geometry: remarks on the structure of a modal map In Hogeweg”. Lotte, Helen de Hoop and Andrej Malchukov (eds.), *Cross-linguistic Semantics of Tense, Aspect, and Modality*. 2009 vii, 406 . (Pp. 245–270).
- Steedman, M. (1977). “Verbs, time, and modality”. *Cognitive Science*. 1.Pp. 216–234.
- Taleghani, A.H. (2008). *Modality, aspect and Negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins B.V.
- Tavangar, M. & M. Amouzadeh (2009). “Subjective modality and tense in Persian”. *Language Sciences*. 31.Pp. 853–873
- Van der Auwera, J. & V.A. Plungian (1998). “Modality’s semantic map”. *Linguistic Typology* 2. Pp. 79–124
- Wurmbrand, S. & J. Bobaljik (1999). “Modals, Raising and A-reconstruction”. *Handout of a talk given at Leiden University (October 1999) and at the University of Salzburg (December 1999)*.
- Wurmbrand, S. (2001). *Infinitives. Restructuring and Clause Structure*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wurmbrand, Susi (1999). “Modal verbs must be raising verbs”. In S. Bird, A. Carnie, J. D. Haugen and P. Nordquest (eds.), *Proceedings of the 18th West Coast Conference on Formal Linguistics (WCCFL18)*: 599-612.
- Zandvoort, R.W. (1964). *A Handbook of English Grammar*. Groningen: J. B. Wolters.
- Zubizarreta, M.L. (1982). *On the Relationship of the Lexicon to Syntax*. P.h.D dissertation, MIT.